



ارمیا ۲۹، ۱. ۴-۷. ۱۰ - ۱۴

این است سخنان رساله‌ای که ارمیا نبی از اورشلیم نزد بقیه مشایخ اسیران و کاهنان و انبیا و تمامی قومی که نبوکدنصر از اورشلیم به بابل به اسیری برده بود فرستاد،

4 یهوه صباوت خدای اسرائیل به تمامی اسیرانی که من ایشان را از اورشلیم به بابل به اسیری فرستادم، چنین می‌گوید 5: خانه‌ها ساخته در آنها ساکن شوید و باغها غرس نموده، میوه‌آنها را بخورید. 6 زنان گرفته، پسران و دختران به هم رسانید و زنان برای پسران خود بگیرید و دختران خود را به شوهر بدهید تا پسران و دختران بزیابند و در آنجا زیاد شوید و کم نگردید. 7 و سلامتی آن شهر را که شما را به آن به اسیری فرستاده‌ام بطلبید و برایش نزد خداوند مسألت نمایید زیرا که در سلامتی آن شما را سلامتی خواهد بود. 10 و خداوند می‌گوید: چون مدت هفتاد سال بابل سپری شود من از شما تفقد خواهم نمود و سخنان نیکو را که برای شما گفتم انجام خواهم داد؛ به اینکه شما را به این مکان باز خواهم آورد 11. زیرا خداوند می‌گوید: فکری را که برای شما دارم می‌دانم که فکرهای سلامتی می‌باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم. 12 و مرا خواهید خواند و آمده، نزد من تضرع خواهید کرد و من شما را اجابت خواهم نمود. 13 و مرا خواهید طلبید و چون مرا به تمامی دل خود جستجو نمایید، مرا خواهید یافت. 14 و خداوند می‌گوید که مرا خواهید یافت و اسیران شما را باز خواهم آورد. و خداوند می‌گوید که شما را از جمیع امت‌ها و از همه مکان‌هایی که شما را در آنها رانده‌ام، جمع خواهم نمود و شما را از جایی که به اسیری فرستاده‌ام، باز خواهم آورد.

"من خسته و به طور کامل افسرده ام! چه با زندگی ام انجام داده ام؟ من مجبور شدم از وطن من، ایران، بگریزم من همه چیز را ترک کردم: خانواده، دوستان، زبان، فرهنگ. و چه چیزی به جای آن گرفتم؟ هیچ چیز! ماه‌ها و سالها گذشت من هنوز حق ندارم در آلمان بمانم. من هنوز کار ندارم و هنوز زبان را نمی‌شناسم. من هنوز هم در میان مردم از بسیاری ملت‌ها زندگی می‌کنم که با من سرنوشت می‌گذارند. ما همگی مثل برگ‌های پاییز که در نهایت از درخت افتاده اند، هستیم. بنابراین ما هیچ ارتباطی با زندگی جدید پیدا نمی‌کنیم! ما بر روی زمین مثل برگ‌های به طور تصادفی جمع شده ایم. و ما از دنیای قدیم خیلی سقوط کردیم و حتی دیگر نمی‌توانیم احساس کنیم در خانه‌ی خود هستیم و از آینده هم هیچ امیدی نداریم." همانطور که ذکر شد، بسیاری از افراد ممکن است در آلمان احساس کنند. آیا از همه طرف رد می‌شوید؟ و امروز شما احساس غریبه‌ای دارید؟ اگر احساس شما این طور است، امروز من دقیقاً پیام درستی برای شما دارم که از قلم ارمیا ی پیامبر می‌آید. ارمیا و مردمش مانند شما مجبور شدند با یک فرهنگ خارجی به یک کشور خارجی حرکت کنند. با این حال، همه مردم احساس تلخ و ناامید کننده‌ای داشتند. ارمیا نگاه جدیدی به ما می‌دهد. دیدگاه از خدا داشت! خدا خودش در مورد وضعیت شما صحبت می‌کند. و خدا خود را در وضعیت شما قرار داده است. همچنین، اگر شما احساس می‌کنید بیگانه‌اید، شما واقعاً بیگانه نیستید. از آنجا که همه جهان‌ها، کشورها، فرهنگ‌ها و زبان‌ها به واقع متعلق به خداوند است. به همین ترتیب، تمام وقت هم مال خداست. شما همچنین متعلق به خدای زنده هستید. بنابراین زمان شما در اینجا و در حال حاضر از خدا جدا نیست. این زمان خداست و شما در دست خدا هستید! شما در خانه پناهنده هستید، بلکه تو غریبه هستی، بلکه شما مثل یک برگ از درخت نمی‌افتید. نه! شما به شدت به خدا متصل هستید و همچنین این زمان در کشور خارجی آلمان، زمان خداوند است که او به شما داده است. ممکن است امروز شما فکر می‌کنید که اشتباه بسیار جدی انجام داده‌اید. شاید شما فکر می‌کنید که به سرنوشت بدی دچار شده‌اید. شاید شما فکر می‌کنید که شما نه تنها توسط اداره فدرال برای پناهنده‌ها

و از وکیل رها شده اید، بلکه توسط خود خدا رها شده اید. خداوند امروز به شما می گوید که او با شما نقشه ای دارد. و این طرح خیلی خوب است: من به یاری شما خواهم آمد و با بازگرداندن شما بدین مکان، وعده خود را برای شما تحقق خواهم بخشید! 11. زیرا فکری را که برای شما دارم میدانم، که فکری سعادتمندی است و نه تیره بختی، تا به شما امید بخشم و آینده ای عطا کنم؛ این است فرموده خداوند آنچه که ارمیا به مردم خود می گوید اینجا تقریباً انقلابی است. آنها باید بدانند که در پشت فاجعه بزرگ، خدا خودش ایستاده است. آنها علاوه بر شکست، شفاف باید بدانند که خدا آنها را رها نکرده است. برعکس، خداوند طرح های بسیار خوبی برای مردم دارد. در چشم خدا، شما فقط یک فایل نیستید! سرنوشت شما نیز برای خداوند ناشناخته نیست. من مطمئن هستم که خدا خودش، با شما یک برنامه مقدس خواهد داشت. این باور که خدا کاملاً با شما در یک وضعیت بسیار بد است، فقط یک فانتزی نیست. اما این بر اساس واقعیتی است که خدا خودش تاسیس کرد. برای ما مسیحیان چیزی وجود دارد که دنیا نمی داند. ما از قدرت خداوند می دانیم که من را نجات داد. بنابراین ما امیدواریم که شما در سایه نمایم. و ما در آسمان می مانیم که هیچ یک از ما نمی توانیم برداریم. و به همین دلیل ما نمک و نور جهان هستیم. ما همچنین برای افرادی که با آنها زندگی می کنیم، دعا می کنیم. اگر ما مسیحیان برای دنیای ما دعا نکنیم، چه کسی دیگری این کار خواهد کرد؟ این قدرت که ما از خدا دریافت می کنیم، در کل زندگی ام تاثیر دارد. سپس اسرائیلی ها باید در اسارت و با زنجیرهای دشمنان و در عین حال ستمگران خود، به دنبال بهترین شهر باشند. از لحاظ بشر این امکان پذیر نیست. به طور معمول، جهان ما طوری ساخته شده که یک عمل شیطانی منجر به انتقام می شود. بدبختیها مثل یک گلوله برفی بزرگتر و بزرگتر می شوند. چنین چیزی را می توان از نزدیک دید، زمانی که دو متعصب رقیب با یکدیگر روبرو هستند. در ابتدا آنها یکدیگر را سرزنش می کنند؛ سپس بطری هایی پرتاب می شوند. و بعد از مدت کوتاهی، گروه ها طوفان می کنند و یکدیگر را ضرب و شتم می کنند تا زمانی که خون در خیابان ریخته شود و مرده به کف خیابان افتاده است. و این فقط آغاز خونریزی بیشتر است! ارمیا دقیقاً مخالف این وضعیت را در اینجا پیشنهاد می دهد. شما باید برای دشمنان چیز خوبی بخرید. و اگر دشمن خوب باشد، پس من هم خوب خواهم بود. ارمیا نیز مشاوره بسیار خوبی دارد. اسرائیلی ها باید باغ ها، کارها، ازدواج و ادغام شدن در جامعه خارجی را بسازند. شما می توانید کلمات خود را تقریباً به طور مستقیم به زبان ما ترجمه کنید. اگر شما مدارک تحمل گرفتید، یک کار داوطلبانه را دنبال کنید. صرفه جویی برای دوره زبان، پیدا کردن جایی که شما می توانید مورد نیاز باشید و اگر جایی که برای کمک به هموعان است اینها کمک می کنند تا از افسردگی و ناامیدی دور شوید. ارمیا فقط نکاتی درباره اینکه چگونه در اینجا در آلمان بمانید، به شما نداد. نه، کار خدا بیشتر از این کار است. اسرائیلی ها پس از اخراج از کشورشان، می دانستند که این مجازات خداست که اتفاق افتاد. آنها آن را به رسمیت شناختند. و برخی از آنها امید به خداوند را کاملاً از دست داده اند. اوه، امروزه کسانی را می شناسم که فکر می کنند سرنوشت شان در واقع مجازات خداست! این اندیشه چقدر افتضاح است! خدای زنده می خواهد من را مجازات کند و زندگی من را نابود کند. نه! ارمیا می گوید: درست نیست! خداوند برای شما نقشه خوبی دارد حتی اگر خدا برای مدت کوتاهی شما را مجازات کند، این به معنای پایان خوش برای شما خواهد بود. در نهایت خدا همیشه در کنار ماست. خداوند آن را به اسرائیل در بابل وعده داده و به همین جهت آن را به ما وعده داده است. او می خواهد، این وعده دور نیست، و نزدیک خواهد آمد. خدا می خواهد شما را پیدا کند. خدا می خواهد در میان ما باشد و جایی که خدا وجود دارد، نجات وجود دارد. همه اینها باعث شده است که خدا پس از ارمیا به حقیقت برسد. خداوند با نزدیک شدن به ما، این را انجام داده است. برای جایی که عیسی مسیح است، نجات وجود دارد. حتی اگر همه چیز در زندگی من به هم ریخته شود. خداوند در عیسی مسیح نه تنها چیزی را به ما تحمیل نمی کند، بلکه خود را نیز به ما می دهد. آمین.